

نکوداشت مسعود معصومی

در جشنواره صنعتی

نکوداشت زنده‌یاد مسعود معصومی از پیشکسوتان و بنیانگذاران عکاسی صنعتی و تبلیغاتی ایران با حضور پروانه معصومی، همسر سابق وی در اختتامیه چهارمین جشنواره فیلم و عکس فناوری و صنعتی برگزار می‌شود. مسعود معصومی ۱۲ اسفند۹۵ درگذشت و این جشنواره مراسم نکوداشتی را در عسویه پیش‌بینی کرده است.



کافه کتاب

دعوت به خواندن «تذکره الاولیا»

آرامشی برای روزهای ناآرام

«آن پرورده نبوت، آن خو کرده قنوت، آن کعبه عمل و علم، آن خلاصه ورع و حلم، آن سبق برده به صاحب صدری، صدر سنت، حسن بصری رضی الله عنه...» آغازی برای پرداختن به زندگی عارف بزرگ، «حسن بصری» که در کتاب تذکره الاولیا آمده است. این شروع آهنگین که با نثری

مسجع شکل گرفته برای تمام شخصیت‌های عارفی که عطار در این کتاب به آنها پرداخته دیده می‌شود؛ کلامی که برای هر خواننده‌ای جذاب و دلنشین است. صداالبته برای کسی که آشنا با این گونه متون نیست همراه شدن با چنین متنی، در ابتدا سخت خواهد بود، ولی کافی است کمی صبر کرد تا مشکلات کاملاً کنار برود. یادش بخیر روزگاری که متونی از این دست در مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیم، تدریس می‌شد و فرد از همان ابتدای فراگیری، با این زبان و نثر و نظم آشنایی پیدا می‌کرد.

برویم سراغ همان تذکره الاولیا. زندگی عارفان با واقعیت‌ها و غلوهایی غیرواقعی آمیخته است. اما نکته جالب در همه آنها ماجراها و حوادثی است که هم درس آموز است و هم خواندنی. کتاب تذکره الاولیا که فریدالدین عطار نیشابوری آن را نگاشته توجهی است به زندگی عرفای بزرگ از همان ابتدای ظهور اسلام. اما اینکه چرا عطار سراغ این بزرگان رفته است خود شنیدنی است؛ دلایلی که می‌آورد فراوان است و اما یکی از آنها:

«... دیگر باعث آن بود که چون ظاهر می‌بینم که اگر یک سخن برخلاف تو می‌گویند به خوردن آن کس سعی می‌کنی و سال‌ها بدان یک سخن کینه می‌گیری، چون سخن باطل را در نفس تو چندین اثر است سخن حق را در دل تو هم اثر تواند بود هزار چندان».

خواندن تذکره الاولیا برای طیف‌های گوناگون می‌تواند جالب و حتی تاثیرگذار باشد. آنها که می‌نویسند و در پی زبانی خاص خود هستند می‌توانند از آن بهره ببرند؛ نه آنکه عیناً از آن تقلید نمایند؛ بلکه از داشته‌های زبانی این کتاب یاری بجویند.

اما مهم‌تر از آن، تاثیر این کتاب است بر خواننده آن. چه نویسنده باشی، چه پزشک، چه فروشنده، چه دانشجو چه...، زندگی عارفان و گفته‌ها و اتفاقات زندگی آنها آرامشی بر جان می‌نشانند که در این دنیای آشفته و مشوش، غنیمت بزرگی است و جای آن خالی. در اینکه می‌توان اندیشه و افکار عرفانی را نقد کرد حرفی نیست اما در زندگی فردی و روزمره، چپسای یکی از ماجراها و گفته‌های عارفان، بتواند ما را از اضطراب و نگرانی و تشویش و هراس برهاند.

به این نمونه نگاه کنید:

[حسن بصری] روزی به کنار دجله می‌گذشت. [مرد] سیاهی دید با قرابه‌ای [طرف بزرگ آب] و زنی پیش او نشسته و از آن قرابه می‌آشامید. به خاطر حسن گذشت که این مرد از من بهتر است. باز شرع حمله آورد که آخر از من بهتر نبود که با زنی نامحرم نشسته و از قرابه می‌آشامد؟ او در این خاطر بود که ناگاه کشتی‌ای گرانبار برسید و هفت مرد در آن بودند و ناگاه درگشت و غرقه شد. آن سیاه در رفت و شش تن را خلاص داد. پس روی به حسن کرد و گفت: برخیز اگر از من بهتری. من شش تن را نجات دادم. تو این یک تن را خلاص ده، ای امام مسلمانان! در آن قرابه آب است و آن زن مادر من است. خواستم تا تو را بیازمایم تا تو به چشم ظاهر می‌بینی یا به چشم باطن. اکنون معلوم شد که به چشم ظاهر دیدی. حسن در پای او افتاد و عذر خواست و دانست که آن گماشته حق است پس گفت: ای سیاه! چنانکه ایشان را از دریا خلاص کردی مرا از دریای پندار خلاص ده. سیاه گفت: چشمت روشن باد! بعد از آن چنان شد که البته خود را به از کسی دیگر ندانستی، [چنان که] وقتی سنگی دید گفت: الهی مرا بدین سگ برگیر. پرسیدند: تو بهتری یا سگ؟ گفت: اگر از عذاب خدا خلاص یابم من بهتر باشم والا به عزت و جلال خدای که او از صد چون من به.»

چنین سخنان و ماجراهایی در زندگی عارفانی که عطار سراغ‌شان رفته بسیار است که هر یک می‌تواند اسودگی خیالی به همراه آورد. علاوه بر این تذکره الاولیا از حوادث و اتفاقاتی می‌گوید که وجه داستانی آنها بسیار پرنگ است. هر شرح حال با ماجراهایی بیان می‌شود که می‌تواند موضوع یا سوزه یک داستان باشد. مثلاً وقتی در باره رابعه، زن عارفی که از بسیاری از مردان عارف شناخته‌شده‌تر است، سخن می‌گوید نکته‌ها و ماجراهایی با پیش می‌گذارند که خود یک داستان است:

«نقل است که [رابعه] چهار درم سیم به یکی داد که مرا گلیمی بخر که برهنم. ام آن مرد برقت و باز گردید. گفت: با سیده! چه رنگ بخرم؟ رابعه گفت: چون رنگ در میان آمد به من ده. آن سیم پستد و در دجله انداخت. یعنی که هنوز گلیم ناپوشیده تفرقه پدید آمد.»

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از ادب و هنر

نهمین دوره جایزه داستان انقلاب

برگزیدگان خود را شناخت

شامگاه‌یکشنبه ۲۰ فروردین در حوزه‌هنری برندگان نهمین دوره جایزه داستان انقلاب معرفی شد و در این مراسم محمداسماعیل حاجی‌علیان بارمان «بیداری» لوح‌تقدیر و جایزه نقدی یخش رمان بزرگسال را از آن خود کرد. «اپرای مردان سیبل استالینی»، «چهار زن»، «سمفونی بالونه‌های سرخ» و «قربونی» از آثار منتشر شده این رمان‌نویس است.



مهریانوابدی دوست خبرنگار ادب و هنر

اسـمـتـقـبال بـیشـتر از ترجمه‌های خارجی نسبت به کتاب‌های تالیفی چالشی است که گریبانگیر حوزه ادبیات کودک و نوجوان هم شده است. این موضوع را با جعفر ابراهیمی‌نصر، متخصص به‌شاهد، شاعر و نویسنده و کارشناس ادبیات کودک و نوجوان در میان گذاشته و به گفت‌وگو نشستیم. ابراهیمی در ۶ دوره دبیر جشنواره مطبوعات و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ مسئول شورای شعر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده‌است و بیش از ۱۵۰ کتاب برای گروه سنی مختلف در کارنامه‌اش دارد. خودش می‌گوید که اغلب آنها به زبان‌های مختلف ترجمه و چاپ شده است. او با صدا و سیما ۱۲ سال به‌عنوان نویسنده برنامه‌های رادیویی همکاری داشته است. ابراهیمی در سال ۸۶ موفق به دریافت نشان درجه یک هنری، معادل «دکتری ادبیات» شده است.

۱۱۱

کودکان و نوجوانان این روزها از کتاب‌های خارجی استقبال بیشتری می‌کنند تا ایرانی. شما علت این ماجرا را در چه می‌دانید؟

دقیقا این رویکردی است که ناشران دارند برای اینکه سود تجاری ببرند. چون وضعیت کتاب بحرانی است و ناشران هم برایشان صرف نمی‌کند کتاب را از نویسنده ایرانی بگیرند و برایش خرج کنند. در نهایت مردم هم مثل سابق خیلی کتاب نخرند و کتاب دست‌شان بماند و چون دولت هم هیچ تمهیدی در این مورد نبیندشیده و کاری و کمکی نکرده و اگر هم بکند خیلی کم‌رنگ است خب ناشران هم به خصوصی ناشران تازه کار، ناچارا سراغ کتاب‌های خارجی می‌روند.

در واقع نظر شما این است که عرضه بیش از حد کتاب خارجی توسط ناشر باعث این مساله شده است؟ ناشران کمتر می‌خواهند هزینه کنند. بنابراین کتاب‌هایی را که تصویری است و هزینه کمی دارد، انتخاب می‌کنند؛ چون هزینه تصویرگری و صفحه‌آرایی و تالیف هم نمی‌دهند. از طرفی سراغ کتاب‌هایی می‌روند که در نمایشگاه‌های خارجی عرضه می‌شود و آنها را با قیمت اندکی چاپ می‌کنند. مردم هم معمولا گرایش بیشتری به جنس‌های خارجی دارند و بیشتر هم فکر می‌کنند همه چیز خارجی‌اش خوب است و آنهایی که آگاهی ندارند برای چپه‌هایشان می‌خرند. آنان فکر می‌کنند مرغ همسایه غاز است؛ ولی غالب کتاب‌هایی که در بخش به خصوص کودکان چاپ می‌شود، سطحی، بازاری و تجاری هستند. البته در بخش نوجوان قضیه فرق می‌کند. گاهی کارهای خوبی در بخش رمان و قصه چاپ می‌شود که نمی‌شود اینها را با آن چوب نقد کرد. شاید در بین اینها هم کتاب‌هایی به شکل بازاری وجود داشته باشد ولی بیشتر در بخش کودک و خردسال است چون مردم شناختی نسبت به اینکه

«جست‌وجوی عشق» به روایت

حجت اشرف‌زاده

حجت اشرف‌زاده و دامون نوردین تک‌آهنگی با عنوان «جست‌وجوی عشق» تولید کرده‌اند. این قطعه که از فضای متفاوتی برخوردار است، با ترانه‌ای از مرجان تراب تولید شده است. اشرف‌زاده تاکنون آلبوم‌های «شرح پریشانی»، «ماه و ماهی» و «خاتون» را منتشر کرده که از این میان آلبوم و قطعه «ماه و ماهی» با موفقیت قابل‌توجهی روبه‌رو شد.



چالش غلبه کتاب‌های خارجی در بازار کتاب

در گفت‌وگو با جعفر ابراهیمی نصر

مرغ همسایه غاز است



جعفر ابراهیمی‌نصر

توجه کنند. همان‌طور که میلمان زندگی‌شان را می‌خواهند با فرش و دیوار و... ست کنند در مورد کار فرهنگی هم چنین کاری را می‌کنند. خودم دیدم‌ام وقتی می‌خواهند یک کتاب بخرند به رنگ و شکل کتاب که چه جوری در کتابخانه قرار بگیرد توجه می‌بوردی دارند.

از طرف دیگر هم چون مردم تقاضای کتاب‌های این‌چنینی دارند ناشران هم به طرف کارهای لوکس رفته‌اند. یعنی سعی می‌کنند کارهایی را چاپ کنند که لوکس باشد و یک داشته باشد. آنان اینها را در یک باکس‌هایی چاپ می‌کنند که شکل ظاهری زیبا و بسته‌بندی تجاری خوبی داشته باشد. تمام اینها بر می‌گردد به جنبه تجاری آن. به نظر من کتاب هر چه ساده‌تر و ارزان‌تر باشد مردم بهتر به آن توجه می‌کنند و می‌خرند. یکی از دلایل روی آوردن مردم به کتاب در دهه ۶۰ به این دلیل بود که کتاب‌های با کاغذهای معمولی چاپ می‌شد و حتی در دهه ۵۰ یعنی قبل از انقلاب کتاب‌های جیبی با کاغذهای کاهی و جلد معمولی چاپ می‌کردند. کتاب‌های لوکس خیلی کم بود، اما استقبال مردم از کتاب زیاد بود؛ چون قیمت‌شان پایین‌تر بود. تمام بحث‌های تجاری باعث

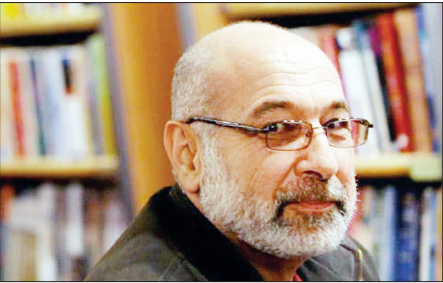
ایراد بگیرد

به کتاب در دهه ۶۰ به این دلیل بود که کتاب‌های با کاغذهای معمولی چاپ می‌شد و حتی در دهه ۵۰ یعنی قبل از انقلاب کتاب‌های جیبی با کاغذهای کاهی و جلد معمولی چاپ می‌کردند. کتاب‌های لوکس خیلی کم بود، اما استقبال مردم از کتاب زیاد بود؛ چون قیمت‌شان پایین‌تر بود. تمام بحث‌های تجاری باعث

چند روایت معتبر

از ماست و خیار

علی‌خدایی با سه مجموعه‌داستان «از میان شیشه از میان مه»، «تمام زمستان مرا گرم کن» و «کتاب آذر» یکی از چهره‌های مهم داستان کوتاه در دهه‌های اخیر است. از این داستان‌نویس قرار است به زودی کتاب «چند روایت معتبر از ماست و خیار» در نشر چشمه منتشر شود.



شده است قیمت کتاب بالا برود. در این راستا مردم اگر هزینه‌ای هم می‌کنند نه به خاطر محتوای کتاب بلکه بیشتر به خاطر شکل ظاهری و حالت دکوری، آنها را می‌خرند. در مواردی هم خیلی‌ها که پولش را ندارند، کتاب نمی‌خرند و به دنبال چیزهای دیگری می‌روند تا کمبود شخصیتی‌شان را با آن پر کنند. به هر حال در جامعه ما اتفاقات عجیب و غریبی در حال رخ دادن است. من فکر می‌کنم در دوره گذار به سر می‌بریم و شاید در آینده به حالت تعادل برسیم.

به لحاظ اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها و شناساندن حتی نویسندگان کودک و نوجوان و آثارشان چقدر توانسته‌ایم به مردم کمک کنیم....

متأسفانه در ایران برنامه برای معرفی کتاب‌ها و نویسندگان و در کل برنامه‌ای که برای فرهنگ و هنر و ادبیات باشد؛ خیلی کم داریم. در مورد کتاب متأسفانه نه تنها تلاشی در این راستا نشده؛ بلکه کم کاری هم شده است؛ شاید هم عمدا کم کاری شده تا مردم ما خیلی کتاب خوان نشوند. بزرگ‌ترین مشکلات ما بعد از چاپ کتاب شروع می‌شود. در بخش کتاب یک نوع رانت‌خواری وجود دارد. مافیای بخش کتاب در جامعه ما حاکم است که به هر کسی مجال ورود به آن عرصه داده نمی‌شود. به هر طرف که برویم می‌رسیم به همان اقتصاد فاسد که به همه جا رسوخ کرده و جلوی خیلی از این مسائل را می‌گیرد.

راهکار پیشنهادی‌تان برای رونق بازار کتاب چیست؟ در کشورهای خارج از ایران جشنواره‌های زیادی برگزار می‌شود که تاثیرات خود را دارد. ممکن است در کوتاه‌مدت تاثیرات‌شان مشخص نباشد ولی در درازمدت تاثیرات خوبی می‌توانند داشته باشند. کتاب‌های من به چندین زبان ترجمه شده است. شاید استقبالی که آن طرف از کتاب‌های من می‌شود بیشتر از ایران باشد. دلایلش چیست؟ آیا مردم ما واقعا کتاب دوست ندارند؟ در حالی که من دیده‌ام هر جا که کتاب خوب بوده می‌خرند و می‌خوانند. مشکل اصلی ما بازدارندگی‌ای است که در کشور ما رخ داده است؛ یعنی اتفاقات فرهنگی دیگری در کنارش می‌افتد که مردم را از کتاب دور می‌کند و ما تلاشی نمی‌کنیم جلوی آن بازدارنده را بگیریم.

برخی‌ها سانسور را عامل مهم بی‌اعتمادی مردم در کتاب‌های داخلی می‌دانند. آیا شما سانسور را در استقبال کم از کتاب‌های کودک و نوجوان موثر می‌دانید؟

ممیزی خوشبختانه در ادبیات کودکان خیلی نمود ندارد. البته در سال‌های گذشته خیلی کم بود یا اصلا نبود ولی در هفت، هشت سال گذشته بوده است. سانسور در جامعه جلوی خبر دارد و خلاقیت هنرمندان، نویسندگان و شعرا را می‌گیرد و گذشته از آن یک نوع خودسانسوری بزرگی در خود ما به وجود آمده؛ یعنی به تدریج نویسنده با هول و ولا می‌نویسد که نکند ارشاد ایراد بگیرد. با توجه به اینکه ناشر هم این ترس را دارد با نوعی خودسانسوری مواجهه شدیم. همین مساله باعث می‌شود که نتوانند در خیلی از ژانرها که برای کودکان به خصوص نوجوانان لازم است، وارد شوند.



هوشنگ ابتهاج

«سینه می‌جوشد ز درد بی‌زبان / ای نوای بی‌نوا نی‌را بخوان / نی‌ی حدیث حسرت و حرمان ماست / نی‌ی دوی دردی‌درمان ماست / نی‌ی خبر دارد از آن باران که ریخت / آشیان لک‌لکی از هم گسیخت / نی‌ی خبر دارد از آن نم کرده جفت / اهوی کوهی که جز در خون نخت / نی‌ی خبر دارد ز اشک پهلوان / دشنه در پهلوی سهراب جوان / نی‌ی خبر دارد از آن مردان مرد / ... / مثنوی بلند «بانگ نی» / بان‌پارسال منتشر شد.

ادبیات

«بانگ نی» سروده هوشنگ ابتهاج

پرفروش هفته دوم فروردین

گروه ادب و هنر سروده‌های هوشنگ ابتهاج در بازار کتاب از سوی علاقه‌مندان به شعر کلاسیک همچنان از استقبال خوبی برخوردار است. «بانگ نی» که از سوی نشر کارنامه‌ها منتشر شده، یک مثنوی بلند است که سایه آن را در طول چندین دهه تکمیل کرده است. سایه سرودن این مثنوی را در دهه ۴۰ آغاز کرد و بعد از سال‌ها، سال ۱۳۸۵ کار آن را به پایان رساند. این کتاب پس از سال‌ها مجوز انتشار گرفت. مثنوی بانگ نی که با این مطلع: «باز بانگی از نیستان می‌رسد / غم به داغ غم‌پرستان می‌رسد / بشنوید این شرح هجران بشنوید / بانی نالنده همدستان شوید» آغاز می‌شود. «بانگ نی» را محمدرضا شجریان سال‌ها پیش در مایه بیات ترک خواند و بعدها هم شهرام ناظری سرآغ آن رفت و محمدرضا لطفی آن را در مایه شوشتری در چاووش چهار آهنگسازی کرد. ناظری یک بار هم این مثنوی را در قطعه ماهور با آهنگسازی لطفی خواند. مثنوی «بانگ نی» پیش از انتظار به‌یکی از آثار مهم سایه‌تبدیل شد و انتشارش مورد اقبال علاقه‌مندان و طرفداران شعر اوقرار گرفت. این مثنوی بلند این‌گونه به پایان می‌رسد:



کالسون وایت‌هد

تا‌ت‌ی‌ج، نمایش‌نامه‌نویس سرشناس آمریکایی نیز برای نمایش‌نامه «عرق جبین» درباره تقلای کارگران یک کارخانه برای باقی ماندن در کار، برای دومین بار برنده جایزه پولیتزر شد. در این میان جایزه پولیتزر برای آثار غیرداستانی برای کتاب «بیرون کردن مستاجر: فقر و سود در شهر آمریکایی» به متیو دزموند رسید و هشام مطر برای کتاب «بازگشت» جایزه پولیتزر در زمینه بهترین زندگینامه را از آن خود کرد.